

ادعا کردند که آموخته‌هایشان در فرماندهی جنگ جهانی اول به نحو مؤثری به کار رفت.

آموزشگاهی برای دلکها

در قرن اخیر سیرک در آمریکا گرجه بسیاری از این سنتها را به ارث برده، اما تحت تأثیر رویدادهای معاصر هم بوده است. امروزه تمام سیرکها، به جز سیرک برادران رینگلینگ و بارنم بیلی که میراث خواران بی‌واسطه پدران خود هستند - تقریباً تمام سیرکها با وسیله نقلیه موتوری نقل مکان می‌کنند. راهپیمایی سیرکها در خیابان تقریباً منسوخ شده، البته بسیاری از اربابه‌های زیبا و واگنهای شکرهمند آنان هنوز حفظ شده و دوستداران سیرک در موزه جهانی سیرک واقع در شهر پارایو ایالت ویسکانسین به تماشای آنها می‌روند. چادر بزرگ و عرصه سه میدانی هنوز شکوه و جلال خود را حفظ کرده است؛ اما جز سیرک رینگلینگ سیرک

دیگری از آن استفاده نمی‌کند. این سیرک مشهور در پایان سال ۱۹۵۶ اجرای برنامه در زیر چادر را متوقف کرد و از آن سال به بعد به ورزشگاههای بزرگ شهرها روی آورد. این کار علاوه بر صرفه‌جویی قابل ملاحظه مالی، به سیرک امکان می‌دهد تا یازده ماه در سال به اجرای برنامه بپردازد (در واقع این سیرک دو واحد نمایش «سرخ» و «آبی» دارد).

از میان دوازده سیرک دیگری که در هر فصل نمایش شهرهای آمریکا را در می‌نورند، بدون شک جذابترین و شکوهمندترین آنها سیرک پیگ‌اپل است که فقط در میدان اجرای نمایش می‌کند و دارای جادری با ظرفیت ۱۶۰۰ نفر است و می‌کوشد تا با سیرکهای اروپایی رقابت کند. این سیرک غیرانتفاعی که مرکز آن در نیویورک است از کمکهای نقدی شهرداری و دولت سود می‌جوید و ضمناً دارای مدرسه‌ای برای تعلیم هنرمندان آینده است. سیرک رینگلینگ نیز چند سال است که در مقر زمستانی خود، واقع در ایالت فلوریدا، یک «کالج» مخصوص برای

آموزش دلکها تأسیس کرده است. سیرک در آمریکا، برخلاف همتهای آن در چند کشور اروپایی، معمولاً از وضعیت مالی خوبی بهره‌مند است و صاحبان سیرکها درآمد خوبی کسب می‌کنند. چون علیرغم اقبال روزافزونی که سینما، تلویزیون و سایر سرگرمیها در قرن بیستم با آن روبرو بوده‌اند، سیرک در آمریکا واقعاً جای خود را دارد.

۱. ه. ساکسن اهل آمریکا و نویسنده متجاوز از یکصد کتاب، مقاله و نقد تئاتر، سیرک و سرگرمیهای عامه پسند است. در میان کتابهای او که به چند زبان نیز ترجمه شده است می‌توان به کتاب زندگی و هنر اندروداکرو و عصر رومانیتیک سیرک انگلیس اشاره کرد. او در حال حاضر مشغول نوشتن کتابی تحت عنوان پ. ت. بارنم؛ یک اسطوره و یک انسان است.

آلفرد میخائیل

مرد مومی

رهنمون شد و ما بیشترین کوشش خود را کردیم تا بهتر از همیشه باقیم. ما در گرد همان هنرمندان درجه یکی چون دخیل امین هنرمند بندباز داشتیم. او می‌توانست در حالی که کیسه‌ای روی سر خود کشیده است، از بند جدا شود و بعد از سه پشتک دست همکار خود را در هوا بگیرد. فاروق رشید هم ژانگولرباز ماهری بود و بسن عباس در راهپیمایی روی طناب به مهارت خیره‌کننده‌ای رسیده بود.»

رماه با استفاده از فرصت دیدارهای مستقابل بسین سیرکهای کشورهای مختلف موفق شده است با چند سیرک خارجی کار کند. او به سال ۱۹۷۴ در یک دوره مسابقه بین‌المللی آکروبات در توکیو برنده جایزه اول آن شد. این روزها رماه با سیرک ملی مصر در یکی از مراکز نایت آن در غزه واقع بر کنار رود نیل همکاری می‌کند. از نمایشهای متنوع این سیرک به جز عملیات آکروبات بازی، باید به نمایش حیوانات رام شده (که بعضی اوقات تعداد آنها به جهل حیوان عظیم‌الجثه می‌رسد)، بسندبازی و ژانگولربازی اشاره کرد.

عشق رماه به هنرش آنقدر قوی است که آرزو دارد وسط یکی از برنامه‌هایش بسمیرد. به این ترتیب او می‌تواند ادعا کند که تمام عمر خود را، تا آخرین نفس، در سیرک بسر برده است.

آلفرد میخائیل اهل مصر و سرپرست بخش سینما در تلویزیون این کشور است. از کارهای تلویزیونی او فیلمی است درباره کانال سوئز (۱۹۷۵)، نمایشهای سایه‌ای (۱۹۸۳) و آیدآ اسپرایی از وردی (۱۹۸۷).

دلک‌بازی می‌شد. او در کازینوها و مدارسی که مراسم جشن و شادی ترتیب می‌دادند شرکت می‌کرد و ضمناً در سیرکهای خصوصی هم به اجرای برنامه می‌پرداخت. سیرک ملی مصر در سال ۱۹۶۴ اولین نمایش خود را ارائه کرد، که بسیار موفق از کار درآمد. رماه در این باره می‌گوید: «یک حس رقابت همه‌مبارا به سوی شمالی



Foto © Tots els drets reservats

صابر حمید رماه آکروبات‌باز مصری و هنرمندی که بدن بسیار قابل انعطافی دارد، یکی از ستارگان سیرک ملی این کشور است. استعداد او شهرتی بین‌المللی برای او به ارمغان آورده است. او را به نام «مرد مومی» می‌شناسند، چون حرکاتش بسیار باوقار، نرم و دقیق است، آنقدر که گویی در بدنش ذره‌ای استخوان وجود ندارد. صابر به هیچ خانواده اهل سیرک، که تا پیش از قرن هفدهم میلادی از شهر و روستایی به شهر و روستای دیگری در کشورهای عربی سفر می‌کردند، تعلق ندارد. این سیرکهای قدیمی با خود باغ و حشهایی حمل می‌کردند و در روزهای جشن و شادمانی در اسلام، از جمله جشن تولد حضرت رسول یا سایر اعیاد مذهبی، نمایشهای خاصی برپا می‌داشتند.

رماه عضو یک خانواده بیابان‌نشین است که در غزه سکنی دارد. غالب اعضای خانواده او خیاط بودند. صابر از دوران کودکی، به خاطر مهارت و جلاکی خود شهرت داشت. در سیزده سالگی خانواده را ترک گفت و به اسکندریه، شهر بزرگی که درهای آن به روی هنرمندان خارجی باز بود، سفر کرد تا به عنوان آکروبات‌باز کاری بگیرد. دیدار او با یک آکروبات‌باز آلمانی سبب شد که حرکات و شکردهای خود را تکمیل کند. او به سال ۱۹۵۰ با همکاری در یک گروه سه نفری از هنرمندان آکروبات‌باز آلمانی به آلمان سفر کرد.

دو سال بعد که رماه به مصر بازگشت، سبک جدیدی مناسب خود ابداع کرده بود که شامل حرکتهای آکروباتی و

صابر حمیدرماه مرد مومی مصر